

ORIGINAL ARTICLE

Analyzing the situation of merchants and trade on the shores of the Persian Gulf on the eve of the constitutional revolution

Ahmad Bazmandegan Khamiri

Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence

Ahmad Bazmandegan Khamiri
Email: ahmad.khamiri@pnu.ac.ir

How to cite

Bazmandegan Khamiri, A. (2023-2024). Analyzing the situation of merchants and trade on the shores of the Persian Gulf on the eve of the constitutional revolution, relying on Mozaffari Bushehr newspaper. *Iran Local Histories*, 12(1), 85-96.

ABSTRACT

The name of the Persian Gulf has always been associated with trade and as one of the important waterways, it played a vital role in the exchange of goods between East and West, which was mentioned in the sources of the past. On the eve of the constitutional revolution and with the expansion of newspapers, new written sources addressed this field. Mozaffari newspaper which was one of the most important newspapers in the south of Iran, devoted important articles to this field. This article seeks to answer this question: what was the approach of this newspaper to the category of merchants and trade and tries to examine this issue in a descriptive-analytical method and with a critical approach. The findings showed that, according to Mozaffari newspaper, Iran's trade in the Persian Gulf declined during this period, and one of the main factors was British interference and concessions, which in practice limited free trade in the region and left no space for competition. This newspaper did not consider trade as only the exchange of goods, but considered it a complex process of which the exchange of goods was a part. The process of product production, which is considered an inseparable part of it is neglected in the meantime. A part that, according to the newspaper, has not been given much value in Iran's foreign trade.

KEYWORDS

Mozaffari newspaper, Business, Traders, Persian Gulf.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://chooser-beta.creativecommons.org/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

واکاوی وضعیت تجار و تجارت کرانه‌های خلیج فارس در آستانه انقلاب مشروطه با تکیه بر روزنامه مظفری بوشهر

احمد بازماندگان خمیری*

گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

نام خلیج فارس از دیرباز همیشه با تجارت گره خورده و به عنوان یکی از آبراهه‌های مهم نقش حیاتی در تبادل کالا بین شرق و غرب ایفا نموده که در منابع دوران گذشته به آن اشاره شده است. در آستانه‌ی انقلاب مشروطه و با گسترش روزنامه‌ها، منابع مکتوب جدیدی به این حوزه پرداختند. روزنامه‌ی مظفری که یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های جنوب ایران بود، تعدادی از مقالات خود را به این حوزه اختصاص داد. این مقاله به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش است که رویکرد این روزنامه به مقوله‌ی تجار و تجارت چه بود و می‌کوشد به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌ها نشان داد که از دید روزنامه مظفری تجارت ایران در خلیج فارس در این دوره رو به افول نهاد که یکی از عوامل اصلی آن دخالت‌ها و امتیازات بریتانیا بود که در عمل تجارت آزاد در منطقه را محدود کرد و جایی برای رقابت باقی نگذاشت. این روزنامه تجارت را تنها مبادله‌ی کالا نمی‌دانست، بلکه آن را فرآیند پیچیده‌ای تصور می‌کرد که تبادل کالا بخشی از آن بود. آنچه در این میان مغفول مانده روند تولید کالا است که بخشی جدانشدنی از آن تلقی می‌گردد. بخشی که به باور روزنامه در امر تجارت خارجی ایران چندان به آن بها داده نشده است.

واژه‌های کلیدی

روزنامه‌ی مظفری، تجارت، تجار، خلیج فارس.

نویسنده مسئول:

احمد بازماندگان خمیری

ایمانامه: ahmad.khamiri@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

بازماندگان خمیری، احمد (۱۴۰۲). واکاوی وضعیت تجار و تجارت کرانه‌های خلیج فارس در آستانه انقلاب مشروطه با تکیه بر روزنامه مظفری بوشهر. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی

ایران، ۱۲(۱)، ۸۵-۹۶.

است. از این رو یافتن اطلاعاتی که بتواند مطالب روزنامه را تکمیل کند دشوار است. در مورد این موضوع با این رویکرد کاری صورت نگرفته است. نگاه روزنامه مظفری به مقوله اجتماعی تا حدودی کار شده است که از جمله می توان به کتاب روزنامه مظفری بوشهر وضعیت زنان پیش از مشروطه اثر سیدقاسم یاحسینی، توصیف بندربوشهر و خلیج فارس در جریده مظفری (۱۳۲۲-۱۳۱۹ه.ق) از مجتبی محمدی و گالیا حق پرست اشاره کرد. اما در حوزه تجارت و نقش تجار از نگاه روزنامه مظفری تاکنون پژوهش چندانی صورت نگرفته است و جای چنین بررسی در این حوزه خالی است.

روزنامه مظفری

روزنامه مظفری به مدیریت میرزا عبدالحمید متین السلطنه و بعد از او میرزا علی آقا شیرازی لیبب الملک از شوال ۱۳۱۹ه.ق در بوشهر منتشر گردید (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۱۱/۴؛ رومی، ۱۳۸۷: ۳۱). ظاهراً این دو با هم همکاری داشته‌اند ولی با رفتن متین السلطنه به تهران تمام امور به لیبب الملک واگذار شد (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۱۱/۴). تا پیش از سال ۱۳۲۲ه.ق روزنامه بصورت چاپ سنگی بود. در این سال لیبب الملک در طی سفری به هند دستگاه چاپ سربی تهیه و برای اولین بار وارد بوشهر کرد و از ابتدای سال چهارم، این روزنامه با چاپ سربی منتشر گردید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۵۵). شماره اول سال چهارم مظفری در ۱۶ صفحه به قطع وزیری بدون ذکر مدیر و ناشر و موسس آن در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۲ه.ق منتشر گردید. نام روزنامه به خط شکسته نوشته شده بود و در زیر عنوان روزنامه، آن بدین گونه معرفی شده است: «در این جریده از هرگونه وقایع و اخبارات و مطالب مفید، راجع به صنعت و ادبیات و هر نوع لایحه که متضمن فواید دولتی و منافع ملی و مصالح مملکتی باشد بحث می‌شود. نوشتجات بیغرض و عام‌المنفعه که منافی با دین و دولت نباشد پذیرفته و درج خواهد شد و مکاتیبی که درج نشود صاحبش حق استرداد آن را ندارد» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۱: ۱). همان، وظیفه جراید را چنین بیان می‌کند: «صفحات جراید دفتر آگاهی و وسیله معرفه و واسطه رسانیدن اخبارات مملکت و حال کار ملت بدوله است» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۴: ۸). روزنامه ابتدا هر پانزده روز یک‌بار چاپ می‌شد. پس از مدتی بصورت هفتگی درآمد (رومی، ۱۳۸۷: ۳۲).

روزنامه مظفری به دلیل سیاست‌هایی که در پیش گرفته بود در حوزه مسائل روابط بین‌الملل و خارجی متهم به دشمنی با

مقدمه

روزنامه‌ها نقش مهمی در حیات سیاسی-اجتماعی جوامع بازی می‌کنند. ورود و گسترش فرهنگ روزنامه‌نویسی و روزنامه‌خوانی در ایران هرچند به کندی صورت گرفت؛ اما توانست به مرور جای خود را در میان طبقات گوناگون باز کند. ایالت فارس جزء پیشگامان پذیرش این فرهنگ نوین بود. روزنامه‌های آن لیللت طیف‌های گوناگونی را در بر می‌گرفت. اما از میان آنها روزنامه مظفری شاخص‌تر بود. مظفری که در دوره مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۹ق) انتشار می‌شد از انگلیسی‌ها انتقاد می‌کرد که تا پایان عمر خود آن را ادامه داد. دلیل انتقاد از انگلیس نفوذ روزافزون آن کشور در منطقه جنوب ایران و خلیج فارس و اهداف استعماری آن بود. در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ م بریتانیا مهم‌ترین شریک تجاری سرزمین‌های حوزه خلیج فارس بود. این کشور با سلطه بر هند جایگاه آن را در تبادل کالا با منطقه به دست آورد. از این به بعد بجای کالاها و اقلام هندی، کالاهای ساخت کارخانه‌های بریتانیایی به خلیج فارس صادر می‌کرد. انگلستان با استفاده از اهرم فشار و ضعف سیاسی ایران عوارض گمرکی را به سود خود تغییر داد تا جایی که بازرگانان بریتانیایی از هم‌تایبان ایرانی خود عوارض کمتری می‌پرداختند.

سیاست‌های ضدانگلیسی روزنامه مظفری چندین بار موجب تعطیلی آن شد. این مقاله در صدد است تا نگاهی به مقوله «تجارت و تجارت» در این روزنامه داشته باشد. انتخاب روزنامه مظفری از چند جهت حایز اهمیت است: اول آن که این روزنامه در مهم‌ترین بندر تجاری جنوب ایران، بوشهر، (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۹۴) در دوره‌ی قاجار منتشر می‌شد. دوم، مخالفت این روزنامه با سیاست‌های بریتانیا در ایران بود، در جایی که آن دولت از نفوذ فراوانی برخوردار بود و ادامه همین سیاست تا آخرین شماره. سوم مدت زمان انتشار آن است که علی‌رغم مخالفت‌های بسیار نزدیک به ۱۱ سال انتشار آن ادامه یافت. چهارم موضع‌گیری‌های داخلی روزنامه است که در روزهای آغازین اعتراضات بر ضد عین‌الدوله، از دولت حمایت می‌کرد و به برخی از رهبران مشروطه می‌تاخت.

موضوع تجارت و بازرگانی در جنوب ایران هنوز چندان مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است و آنچه تاکنون انجام شده است بیشتر آثاری است که در مورد تجارت در دوره‌ی قاجار بصورت کلی نوشته شده است که مطالب آنها بر اساس داده‌های خارجی است. هنوز به موضوع تجار و تجارت و بحران تجاری از منظر ایرانیان و به ویژه نگاه روزنامه‌های محلی پرداخته نشده

ايران ايفا مي‌كردند. آنها يكي از اقشار مهم در ايران بودند كه با توجه با جايگاه و موقعيت ممتازي كه در جامعه ايراني عصر قاجار داشتند از اصناف و كسبه متمايز بودند و جزء اعيان شهري به شمار مي‌آمدند. (دشتي، ۱۳۸۰: ۴۳) خود تجار به گروه‌هاي مختلفی تقسيم مي‌شدند. تجار خرده‌پا و متوسط در شهرها از نيروي برخوردار بودند كه از طريق آن بين شهر و روستا روابط بازرگاني برقرار مي‌نمودند (تامپسون، ۱۳۸۶: ۱۰۷). با گسترش تجارت، نقش بازرگانان محلي در معاملات محصولات با ارزشي چون ابريشم، برنج و تريك (فسايي، ۱۳۸۲: ۸۷۴/۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۸۱۶)، فرش‌هاي پشمي، پوست خام، حيوانات زنده و تنباكو از اهميت زيادي برخوردار شد (عيسوي، ۱۳۶۲: ۶۲؛ دهقان نيري، ۱۳۷۰: ۸۵). تجار در گروه‌هاي مختلف به فعاليت مي‌پرداختند كه برخي از آنها تنها از نام تجار براي پيشبرد اهداف خود سود مي‌جستند. روزنامه مظفري در يكي از شماره‌هاي خود آنها را دسته‌بندي کرده و ويژگي‌هاي آنان را چنين بر مي‌شمرد:

الف) دلال‌ها: «تجارت خود را منحصر و همت خود را مصروف بهمين داشته‌اند كه بهر وسيله باشد پولی بدهند برات روييه چهار قران و ربع و پوند شصت و چهار قراني خريده بخارجه بفرستند تنخواه را از خارجه آورده باهل مملكت خود بفروشند.» اين گروه موجب بدبختي مملكت شده‌اند؛ زيرا تمام ثروت را از كشور خارج و كالاهاي خارجي وارد مي‌كنند بدون آن كه به ثروت ملي اضافه كنند.

ب) محتكران: «فقط شغل خود را منحصر به احتكار کرده كه در موقع مناسب جزيي پولی داده ارزاق خلق‌الله را از گندم و برنج و ... پيش خريد کرده چندي بعد از آن بنوع و ابنا وطن خود بقيمت‌هاي گزاف بفروشند.» (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۳: ۱۱-۱۰).

متاسفانه روزنامه در ديگر شماره‌هاي خود، علي‌رغم قولی كه داده بود، به بررسي ديگر گروه‌هاي تجاري نمي‌پردازد؛ اما از همين دو گروهی كه نام مي‌برد مي‌توان دريافت كه نويسنده تجارت را تنها خريد و فروش كالا نمي‌داند، بلكه او بر نقش توليدي تجار هم تاكيد دارد. آنچه كه احمد سيف آن را بورژوازي تجاري و بورژوازي صنعتی مي‌خواند (سيف، ۱۳۷۳: ۱۶۲). از همين رو است كه او به حمايت از شركت‌ها و توليدات داخلی مي‌پردازد و به شدت مخالف با ورود اجناس خارجي است.

سديدالسلطنه تجار ساكن در بندرعباس را در شكل مشخص تری دسته‌بندي مي‌كند. او به وجه توليدي آنها توجه نمي‌كند و تنها بر اساس تايعتشان به دو گروه تقسيم مي‌كند: تجار داخلی و تجار خارجي. «تجار داخله اغلب عمال تجار يزد و كرمان با توابع و خراسان و لار محسوب‌اند. به قلت تجارت

انگليس و در زمينه موضوعات داخلی متهم به هواداري از استبداد بود. زماني كه در سال ۱۳۳۰ هـ ق لييب‌الملك از بوشهر تبعيد شد روزنامه چهره‌نما آن را اقدام انگليسي‌ها قلمداد نمود (صدرهاشمي، ۱۳۶۳: ۲۱۶/۴؛ رومي، ۱۳۸۷: ۳۲؛ قاسمي، ۱۳۸۹: ۴۶۶). روزنامه در مقالاتش به انگليس مي‌تاخت و امتيازدهي تجاري به آن دولت را در تضاد با منافع ملي ايران مي‌دانست و خواستار وضع محدوديت در ورود كالاهاي انگليسي بود. اما با روس‌ها روابط حسنه‌يي داشت. از حضور كنسول روس در جشن مدرسه سعادت و كمك مالي او با نيكي ياد مي‌كند (روزنامه مظفري، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۱: ۴). روزنامه در انعكاس خبرهاي خارجي نيز هواداري خود را از روسيه نشان مي‌داد و قيام‌كنندگان سال ۱۹۰۵ م در روسيه را «بلوايان» خطاب مي‌كرد (روزنامه مظفري، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۴: ۱). در مقالاتي به محاسن سيدالسلطنه، كنسول روسيه در بندرعباسي، مي‌پردازد (روزنامه مظفري، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۴: ۱). در زمينه سياست داخلی در هنگام اعتراضات مردمی از دولت حمايت مي‌كرد. با وجود اين كه صدرهاشمي بازداشت و تبعيد لييب‌الملك را ناشی از مخالفت او با عين‌الدوله مي‌داند (صدرهاشمي، ۱۳۶۲: ۲۱۴/۴). شماره‌هاي سال چهارم روزنامه كه مصادف با دوره صدارت عين‌الدوله است خلاف گفته‌هاي صدرهاشمي را نشان مي‌دهد. در اين شماره‌ها روزنامه به شدت از عين‌الدوله حمايت مي‌كند و او را با بيسمارك مقايسه مي‌كند (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۰: ۳). بر بهبهاني مي‌تازد و او را عامل بيگانه مي‌داند كه ساخته و پرداخته ديگران است. او حتي بهبهاني را متهم مي‌سازد كه در جنبش تنباكو از انگليسي‌ها حمايت و با اراده‌ي مردمی مخالفت مي‌كرد (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۰: ۳). زماني كه تجار بوشهر از دعوت بازرگانان شيراز براي همراهي با آنها براي تعطيلي بازار استقبال نكردند با شادمانی نوشت: «آن تعداد هم كه قول مساعدت داده بودند عهد و پيمان را شكسته مشغول كار خود شدند» (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۲۷: ۱۶).

در سال ۱۳۳۰ هـ ق در اثر فشار انگليسي‌ها لييب‌الملك از بوشهر تبعيد شد. با رفتن او روزنامه تعطيل گرديد و آخرين شماره آن در صفر همان سال منتشر شد (رومي، ۱۳۸۷: ۳۲؛ قاسمي، ۱۳۸۹: ۴۵۵).

تجار

در عصر قاجار تجار و بازرگانان كه بخش بزرگی از شهروندان را تشكيل مي‌دادند نقش بسيار مهمی در زندگي اقتصادي شهرهاي

سال ۱۳۲۴ هـ ق بیشتر آنها به فلسطین مهاجرت کرده بودند. آنهایی که باقی مانده بودند به صرافی و صباغی و عرق‌کشی روزگار می‌گذراندند. تعداد ارامنه کمتر بود و به ده خانوار می‌رسید. آنها فاقد محله‌ی خاصی بودند و همگی تجارت می‌کردند (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۳۷).

بخش وسیعی از تجارت در قالب شرکت یا به اصطلاح آن دوره «کمپانی» صورت می‌گرفت. از سال ۱۲۹۷/م ۱۸۸۰ هـ ق شرکت‌ها و مجتمع‌های ملی گوناگون در ایران تشکیل شد که در بازارهای داخلی و خارجی به تجارت مشغول بودند. در سال ۱۲۹۹/م ۱۸۸۲ هـ ق یکی از افراد پیشرو بنام مشهدی کاظم امین شرکت امینی را ایجاد کرد که شهرت زیادی بدست آورد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۵). در سال ۱۳۰۲/م ۱۸۸۴ هـ ق آقا محمدشفیع کازرونی کمپانی تجاری ایران را تشکیل داد که مدیریت آن بر عهده خود او بود و سرمایه‌ی معادل یک میلیون روپیه هندوستان برابر با سیصدوپنجاه هزار تومان داشت (کازرونی، ۱۳۸۴: ۲۸). در سال ۱۳۱۰/م ۱۸۹۲ هـ ق شرکت منشوری در یزد تشکیل شد. چهار سال بعد در ۱۳۱۴/م ۱۸۹۶ هـ ق شرکت فارس با مدیریت حاجی عبدالکریم شیرازی در شیراز پا گرفت. در سال ۱۳۱۶/م ۱۸۹۸ هـ ق شرکت مسعودی در اصفهان توسط حاجی محمدحسین کازرونی ایجاد شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۶؛ حیل‌المتین، ۲۲/ذیقعه ۱۳۱۴: ۲۶۰). اما روزنامه‌مظفری بنیانگذار این شرکت را حاجی عبدالغفار صاحب کازرونی می‌داند (روزنامه‌مظفری، ۱۲۲۳، سال ۴، شماره ۱۲: ۱۴). این شرکت به کارهای بازرگانی و صرافی مشغول بود. در این زمان شرکت‌های مقاطعه‌کاری نیز در اصفهان تاسیس شدند که یکی از آنها شرکت «اسلامی» بود که با سرمایه یکصدوپنجاه هزار تومان فعالیت خود را آغاز کرد و یکی از وظایف آن حمایت از تولید منسوجات داخلی و محلی و توزیع آن بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۶).

روزنامه مظفری نیز به مقوله شرکت‌ها توجه ویژه‌ی داشت. در یکی از شماره‌های آن پس از معرفی کمپانی تجاری قمشه به مدیریت آقامیرزا سیدعبدالله صاحب راز موفقیت آن را در مدیریت درست فردی آن می‌داند و چنین می‌نویسد: «در همین تجارت ملاحظه فرمایید کمپانی‌هایی که تاکنون در ایران اعم از تبریز و طهران و شیراز و اصفهان و غیره دایر شده هریک آنچه پیشرفت پیدا کرده‌اند تا آنهایی که باعث تفریط مال مردم و بدنامی ملت و مملکت شدند همه از یک نفر رئیس بوده». او مدیریت کمپانی تجاری مسعودیه را نمونه و الگو دیگران می‌داند که چون بر پایه و اصول صحیح بنا نهاده شد علی‌رغم کناره‌گیری حاجی عبدالغفار

شخصی می‌نمایند. آنها ممکن است انحصار داده شود بده نفر از تجار داخله و تجارت قلیله آنها هم اغلب در صادرات بخارجه است.» مهم‌ترین مناطقی که آنها با آن روابط تجاری داشتند عبارت بود از کراچی، بمبئی، مصر، لندن، جدّه، عمان، بحرین، بصره و بغداد (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۵).

گروه دوم تجار خارجی بودند که «منبع ثروت و رشته تجارت عباسی در ید آنها است و آنها دو صنف می‌شوند تجار حاضر و تجار غایب.» تجار غایب بیشتر شرکت‌ها بودند (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۷). تجار حاضر هندی‌ها بودند که خود به دو گروه حیدرآبادی‌ها و هندوها تقسیم می‌شدند. حیدرآبادی‌ها از حیث تجارت در درجه سوم قرار داشتند و اغلب «تجارتشان در واردات از داخله ایران» بود. اما «طایفه دیگر هندو آنها هم اهل سند و عمال متمولین بلده شکارپور محسوب می‌شوند که از طرف آنها به عباسی آمده‌اند و بشراکت اربابان خود معامله و تجارت کرده و دو سه سال توقف کنند و تبدیل شوند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۹). آنها تجارت عمده بندرعباس را در دست داشتند. هندوها از گذشته‌های دور در کرانه‌های جنوبی ایران حضور داشتند و به تجارت مشغول بودند و در منابع دوره صفوی آنها را «بانی» می‌نامیدند (تاورنیه، بی‌تا، ۶۸۸). در سال ۱۹۰۴ م تعداد آنها پنجاه نفر بود که در سال ۱۹۱۳ م به صد نفر افزایش یافت (Floor, 2011: 30). آنها در کرمان هم دارای نمایندگی بودند. هندوها تنها به واردات و صادرات نمی‌پرداختند؛ بلکه از طرق دیگر نیز کسب درآمد می‌کردند. یکی معامله سلف بود همان که نویسنده مظفری آن را اختکار می‌نامد. «و آن ابتیاع محصولات مضافات عباسی است از رعایا قبل از آن که بوجود آیند به نصف بهاء.» شیوه دیگر قرض و نزول بود که پول مردم را به ۱۱۸٪ و ۱۲۴٪ به مردم می‌دادند. سدیدالسلطنه می‌نویسد که بیشتر مردم بندرعباس و اطراف به آنها مقروض بودند. حتی خود او نیز از آن بی‌نصیب نبود (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۸۰).

تجار معمولاً نوع و مقدار جنس خود را به آنها اعلام می‌کردند و آنها لیست‌های درخواستی را به لندن و دیگرجاها می‌فرستادند. اهمیت و اعتبار هندوها در بندرعباسی چنان بود که «پست خارجه چون وارد شود بدو خطوط افسس خارجه و هندو دهند پس خطوط دیگران تقسیم شود» (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۸۰). در بوشهر هندی‌ها کمتر فعالیت داشتند و بیشتر تجار ایرانی به تجارت مشغول بودند. در کنار ایرانی‌ها تعداد کمی ارمنی و یهودی نیز حضور داشتند (مشایخی، ۱۳۸۱: ۸؛ سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۲). یهودیان در بوشهر در دو محله زندگی می‌کردند که صد خانوار می‌شدند. در

صاحب‌كازروني از رياست آن، همچنان «در كمال نظم و انتظام مي‌گردد و فايده مي‌رساند.» در ادامه نويسنده براي مديريت شركت شروطي را برمي‌شمرد: امانت، ديانت، درستكاري، راست‌بازي، عقل و كفايت. اين عوامل موجب مي‌گردد شركت روز به روز بهتر شده و ترقى نمايد (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۲: ۱۴). اين شركت‌ها در مسائل تجاري و سياسي رابط بين مردم در شهرهاي مختلف بودند (سعادت كازروني، ۱۳۹۰: ۲۲۵). با اين وجود روزنامه نسبت به عملکرد اين شركت‌ها اعتراضاتي داشت و آنها را بيشتري دلال مي‌دانست كه به كار توليدي توجهي ندارند. «شركت يا كمپاني تجارت فارس، كمپاني مسعوديه، شركت اسلاميه، شركت محموديه اصفهان، شركت منصوريه و غيره و چه خدمتي به تجارت داخلي نمودند چه احداث كارخانه يا كار خيري كردند كه ثروت مملكت در خودش بماند عايد اجانب نشود. بود و نبود آنها يكي است. علاوه شك نيست كه تجارت آنها مضر بحال اهالي ايران هست. اين شركت‌ها هم مثل تجار خارجه هيچ تفاوتی ندارند» (روزنامه مظفري، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۲۰: ۱۰). اين برخلاف كتابچه و نظام‌نامه برخي از اين شركت‌ها بود كه مسؤليت خود را توليد و حمايت از محصولات داخلي ذكر کرده بودند.

علي‌رغم فعاليت اين شركت‌ها در مناطق داخلي ايران، آنها در بنادر جنوبي چندان فعاليتي نداشتند و بيشتري تجار به صورت فردي به تجارت مي‌پرداختند. سديدالسلطنه از حضور پر رنگ شركت‌هاي خارجي ياد مي‌كند. او آنها را جزء تجار غايب در بندرعباسي قرار مي‌دهد. بيشتري آنها مركزشان در لندن بود و كالاهاي انگليسي وارد مي‌كردند و از حمايت دولت انگليس برخوردار بودند. شيوه كار آنها را سديدالسلطنه چنين مي‌نويسد: «تجار عباسي مطلوبات خود از آنها خواسته و آنها تنخواه را رولنه عباسي کرده و بارنامهچه تنخواه نزد وكلاي خود به بمبئي رسانيده و بارنامهچه دريافت داشته و بارنامهچه به عباسي آورده و به افيس آن كشتي دهند كه رساننده تنخواه به عباسي است و حكم مرخصي بر اداره گمرک از وكالت كشتي صادر کرده و تنخواه را تصرف كنند و بارنامهچه كشتي را «ستمي» گویند» (سديدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۷). او اسامي چند شركت خارجي كه در سال ۱۳۲۷ هـ.ق كشتي آنان به بندرعباس رفت و آمد داشتند بدین ترتيب نام مي‌برد:

- ۱- شركت بريتش انديه: شركت پستي كه كالاها را جابجا مي‌كرد. ۵۲ كشتي آن از بمبئي و ۴۷ كشتي از بصره مي‌آمد.
- ۲- شركت عجم: تنها ايراني‌ها در آن عضو بودند. كشتي‌هاي آن بين بندرعباس-بمبئي و بندرعباس-بصره در رفت و آمد بود.

۳- استريك كمپاني: از لندن به باسعيدو ذغال مي‌آورد و از هرمز گل سرخ به انگلستان صادر مي‌كرد.

۴- شركت وست هاترپول: بين بندرعباس-لندن خط كشتيراني داشت.

۵- شركت تجاري روس كه حاجيان خليج فارس بوسيله آن جابجا مي‌شدند. همچنين بين ادسا و بندرعباس در رفت و آمد بود.

۶- شركت هامبورگ امريكا لين: بين بندرعباس و هامبورگ در رفت و آمد بود و كالاهاي آلماني به ايران وارد مي‌كرد.

اين دو شركت آخري سالانه مبلغ گزافي به عنوان مساعده از دولت خود براي رقابت با شركت‌هاي بریتانیایی دريافت مي‌كردند (سديدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۶). علاوه بر اين چندين شركت تجاري نيز با تجار بندرعباس داد و ستد داشتند. از جمله داودسازان، حاجي علي اكبر و پسران، چرچيل، مشعل اخوان و افاباردین. از ميان آنها تنها دو شركت حاجي علي اكبر و پسران و مشعل اخوان در بندرعباس داراي نماينده بود و بطور مستقيم با تجار آنجا ارتباط داشتند. بقيه همگي از طريق هندی‌ها تجارت مي‌كردند (سديدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۷۷). در حالي كه در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق تنها شركت BISNC در بندرعباس نمايندگي داشت، بعد از بازديد هئيت بازرگاني انگليس در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق، شاهد حضور تعدادي از نمايندگان شركت‌هاي انگليسي در بندر عباس، قشم و هرموز هستيم كه برخي از آنها يوناني بودند كه براي اين شركت‌ها كار مي‌كردند (Floor, 2011, 31). در بوشهر شركت كشتيراني ناصري فعاليت داشت كه داراي ۱۸ فروند كشتي بود و بين بوشهر و جده و هندوستان رفت و آمد داشتند. علاوه بر اين حاج ابوالقاسم بوشهري نيز يك شركت كشتيراني داشت كه با بنادر مختلف در خليج فارس و خارج از آن ارتباطات تجاري برقرار کرده بود (دشتي، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

در بوشهر تعدادي از تجار معتبر حضور داشتند كه امر بازرگاني و تجارت از طريق آنها صورت مي‌گرفت (سعادت كازروني، ۱۳۹۰: ۲۲۵). اما دو نفر از آنها از اعتبار و قدرت بيشتري برخوردار بودند: معين‌التجار و ملك‌التجار. لقب «امين‌التجار» يا «ملك‌التجار» يا «معين‌التجار» در واقع به مثابه اعتبار بانكي به كار مي‌رفت و نشان از اعتماد مردم به صاحب اين لقب داشت (ناطق، ۱۳۷۳: ۳۳). حاجي آقامحمد معين‌التجار كه عيسوي او را سلطان اقتصاد جنوب ايران مي‌دانند داراي ثروتي بيش از يك ميليون تومان بود. بخشي از درآمدهاي او ناشی از سود سرمايه‌گذاري در در معادن گل‌سرخ در هرمز و جزاير ديگر خليج فارس بود. او روابط تجاري گسترده‌اي با هند و لندن داشت. رابطه‌ي او با بریتانيا بسيار حسنه

را پنبه و قالی گرفت که بطور نسبی و مطلق افزایش یافت. میزان خشکبار و میوه‌های تازه و برنج نیز به سرعت بالا رفت. در حالی که تریاک و تنباکو سیر صعودی داشت و بعد متعادل گردید (آدمیت/ناطق، ۱۳۵۶: ۲۹۵؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۵).

با این وجود آنچه که بیش از همه تجار جنوب را نگران می‌کرد خروج سکه‌های طلا و نقره از ایران بوسیله بازرگانان هندی بود. آنها گله داشتند که تجار هندی هر هفته بیش از یکصد هزار تومان سکه نقره از ایران خارج می‌کنند و به هند می‌فرستند. این در حالی بود که دولت ایران در این خصوص هیچ اقدامی به عمل نمی‌آورد. روزنامه مظفری به این موضوع بسیار پرداخته و مقالات متعددی را به آن اختصاص داده بود. در یکی از شماره‌های تجار چین می‌نالد: «واقعا جا دارد که انسان و لو بهر بیغرتی هم باشد از این غصه هلاک شود. در تمام ایران یکفر نیست که این درد بیدرمان را علاج کند. کسی نیست که جلو این آفت بنیان کن را بگیرد. هرچیز در دنیا اندازه دارد، ذلت اندازه دارد، رسوایی و افتضاح اندازه دارد، سکه دولت ما که بحکم ناموس مملکه است مگر چه قدر بیقدر شده که از نقره خالص هم باید کمتر فروخته شود.» بازرگانان معترض بودند که ارزش پول ایران از افغانستان هم کمتر شده و این در خرید و فروش کالاها به ضررشان تمام می‌شود. بویژه که هندی‌ها با دلایلی سود کلانی بدست می‌آورند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۹: ۶). در برآوردی دیگر رساله‌ی که در سال ۱۳۱۵ نوشته شده، از کاهش تقریباً دو سوم ارزش پول ایران یاد می‌کند و می‌نویسد «حالا هزار تومان در واقع چهارصد تومان می‌ارزد» (آدمیت/ناطق، ۱۳۵۶: ۲۷۰).

در مقاله‌ای دیگر در اعتراض به ورود بی‌رویه کالا و خروج مسکوکات چین می‌نویسد: «بخدا قسم کرباس پوشیدن و قند و چاهی (کذا) نخوردن از اجناس خارجه بی‌نیاز شدن هزار مرتبه بهتر از پوشیدن پرنیان و اطلس و مخمل و زری و قوس و قزح زرعی پنجتومان و تافته و حریر مادام است، چه قدر جاهل و بدبخت و بی‌ملاحظه هستیم که زنهامان حتی چادر عربی یزد و رشت را ترک کرده نمی‌خرند، چارفاق که برتر از درد خنای است بقیمت گداز (کذا) می‌خرند، کذلک مخمل کاشان با آن خوبی و دوام و تافته و پارچه‌های لطیف حریر و ابریشمین یزد و کرمان و قنایز خراسان را نمی‌خرند و نمی‌پوشند، عکس مخمل فرنگی و پارچه‌های یکشبه که مدعی اجنبی به پولش رسیده و برای ما حکم ظرف چینی، دست طفل دادن و شکستن را دارد که در دستمان هیچ نمانده می‌خرند و می‌پوشند. مردانمان از پوشیدن لباس وطنی خود که هرچیزش بهتر و لطیف‌تر و مناسب‌تر از مال خارجه است اکراه دارند تا حدی که این اوقات عبای

بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۴). او با حمایت بریتانیا کمپانی ناصری را راه انداخت و با کمک برادران لینیج خط کشتیرانی کارون را اداره می‌کرد (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۱).

رقیب معین‌التجار، حاج محمد مهدی ملک‌التجار بود. جد او، حاج‌علی اکبر تاجر کازرونی، در سال ۱۲۱۰ هـ.ق از کازرون به بوشهر رفت و در آنجا توانست به ثروت هنگفتی دست یابد و عنوان ملک‌التجار را در خانواده خود موروثی کند (کازرونی، ۱۳۸۴: ۲۹). حاج محمد مهدی ملک‌التجار-نسل سوم از خاندان ملک‌التجار- آدم و لخرج و سیاست پیشه‌ی بود. سفرهایی به فرنگ و عتبات و مکه داشت و ظاهراً با ظل‌السلطان روابط حسنه‌ی داشت. برای مدتی حاکم بوشهر و دشتستان، بندرعباس و بندرلنگه بود. سدیدالسلطنه از دوره‌ی حکومت او به بدی یاد می‌کند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۴). او در سال ۱۳۱۳ هـ.ق کوشید تا بار دیگر بر حکومت بوشهر دست پیدا کند. این بار با قوام به مخالفت برخاست (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). و با ایجاد بلوا توانست قدرت او را متزلزل کند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۵). او برای افزایش قدرت خود از حاج سید محمد علی که از اهالی بهبهان و تحصیل کرده بود دعوت کرد تا به بوشهر برود و خانه‌ی در اختیار او قرار داد و از او خواست تا در مسجد او نماز بخواند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳). قدرت او چنان بود که در واقعه مخالفت با قوام برای امام جمعه بوشهر تنگناهایی ایجاد نمود و املاک او را مصادر کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۰).

اعتراض به ورود کالاهای خارجی

ورود ایران به بازار مبادلات جهانی، آن کشور را در رتبه کشورهای پیرامونی قرار داد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۸۴). صنایع دستی ایران در رقابت با صنایع ماشینی اروپایی مغلوب شد و لطامات جبران ناپذیری بدان وارد گردید (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۱۵). این موضوع به خاطر بدجنسی یا بدطینتی این یا آن تولید کننده‌ی اروپایی نبود بلکه به دلیل تحول قانونمند نظام سرمایه‌داری بود که در شکل اولیه خود در قرن ۱۹م براساس آنچه که می‌توان آن را داروینیسیم اجتماعی نامید عمل می‌کرد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۲). در این خصوص اعتراضاتی صورت گرفت و خواهان «تربیت انواع و ترویج صناعات و تجارات» بودند (آدمیت/ناطق، ۱۳۵۶: ۲۴۴).

در زمینه واردات تحول اساسی در افزایش زیاد واردات منسوجات و قند و شکر بود که تا جنگ جهانی اول ادامه یافت. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ایران حبوبات را به فراوانی وارد می‌کرد و مواد نفتی نیز قلم مهمی را تشکیل می‌داد. در زمینه‌ی صادرات چشمگیرترین ویژگی، سقوط شدید صادرات ابریشم و منسوجات است. جای آن دو

در همین زمینه روزنامه مظفری با ارائه آماری نشان می‌دهد که واردات بی‌رویه کالاهای لوکس و تزیینی تا چه اندازه در تراز منفی بازرگانی ایران با کشورهای دیگر تاثیر داشته است. این کالاها که بیشتر از انگلستان وارد می‌شد یکی از عوامل اصلی خروج پول از کشور بود (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۵: ۱۲).

همانگونه که اشاره شد بیشتر صادرات ایران مواد خام و واردات نیز کالاهای مصرفی بود. واردات سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق هیچ‌گونه کالاهایی که بتواند در جهت تولید سودمند باشد وجود نداشت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸-۲۰۷).

خروج مسکوکات، ورود اجناس لوکس و مصرفی و روی آوردن به تولید محصولات غیرخوراکی همچون تریاک موجب افزایش شدید قیمت‌ها شد. گزارش می‌شود در فارس این افزایش قیمت تا هفت برابر بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۲۱۳). حکام شهرهای مختلف در صدد برآمدن با دستورالعمل، قیمت‌ها را کنترل نمایند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۹: ۱۱-۸). معلوم نیست دستورها و فرامین حکومتی تا چه اندازه توانسته‌اند قیمت‌ها را کنترل نمایند. اما در این مورد تردید بسیار وجود دارد.

موقعیت تجاری انگلستان در جنوب ایران

پس از جنگ‌های ایران و روس، براساس قراردادهای بین ایران و روسیه امتیازات بسیاری به آنها داده شد و روس‌ها از این امتیازات تجاری بیشترین بهره را بردند تا جایی که موفق شدند بر بخش بزرگی از اقتصاد ایران چنبره بیندازند. مک‌لین^۱ در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق طی گزارشی دلایل برتری روس‌ها و چگونگی مقابله با آن را چنین بر می‌شمرد: «امروزه حاصلخیزترین، پرجمعیت‌ترین و غنی‌ترین ایالات ایران در نزدیکی دریای خزر قرار گرفته‌اند نه خلیج فارس. اصفهان تقریباً متساوی‌البعد است. بنابراین بازرگانی می‌بایستی در نواحی درون‌بوم رخنه کند تا به بازارهای بهتری دست یابد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۹). او در ادامه با اشاره به برخی اقدامات انگلیسی‌ها همچون ایجاد خط کشتیرانی با بغداد و ایجاد نظم در خلیج فارس می‌نویسد که این اقدامات نتیجه‌ی چندانی در توسعه بازرگانی انگلیسی‌ها نداشته است که روس‌ها با کارهایی چون تصرف ماورالنهر، گسترش حمل و نقل آبی در رود ولگا، گسترش خط‌آهن، ایجاد جاده در شمال ایران در عمل بازار ایران را بر روی کالاهای روسی گشودند و آنها می‌توانند اجناس خود را با کمترین هزینه به ایران وارد کنند. بهبود راه‌ها و ارتباطات با روسیه موجب گردید که

لندن و قدک فرنگی رایج عبا‌های ممتاز بوشهری و نائینی و قدک یزدی و اصفهانی ترجیح داده‌اند، گویا ذی‌روحی نیست که اقلاً اینگونه مطالب را حالی کند، روزنامه نویسنده بدبخت هم آنکه در خارجه است و دست کسی باو نمیرسد که اذیتش کنند و تا یکدرجه اسوده و آزاد است هرچه مینویسد بگوش ما حکم لالایی یا افسانه دارد، اینکه در داخله است اولاً کسی نیست ثانیاً در این گونه یادآوریها حتی پیرآهن برش دشمنش می‌شود، غالب متمولین و بزرگان و خصوص این ایام برخی تجار مملکت برای چهار شاهی جلب منفعت شب و روز خود را صرف تاراج مله کرده باسامی و اقسام مختلفه ابناء جنس خود را غارت و انوقت بدین قسم تسلیم خارجه می‌فرمایند صرف منزلان باید قند یکزنجیره مارسیلی و چاهی نمره اول باشد، زینت منزلان تمام باید چینی و بلورآلات ساخت خارجه باشد، ملایس زن و مرمان باید چاروق و حریر مادام و زری و مخمل و اطلس قوس و قزح و ماهوت روس و انگلیس باشد، این اوقات فروش منزلان باید بدل غالی (کذا) و نمد خارجه باشد، بحمدالله کم‌کم قلیان و تنباکو هم همه‌جا منسوخ و متروک شده همه توتون و سیگار و سیگارت کش شده‌اند. انهم تنباکوی سام سام باید خرید کشید» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۹: ۸-۷). این متن طولانی را به این دلیل نقل شد تا نشان دهد که دغدغه روزنامه تنها خروج پول و مسکوکات نبود بلکه مسئله اصلی افول اقتصاد ایران و وابستگی هرچه بیشتر آن به اروپا و آمریکا بود. در این دوره پول در جنوب نایاب بود. طبق گزارشی مربوط به سال ۱۲۹۵ق «پول سیاه در بوشهر خیلی کم شده است و حاجی محمدباقرخان نوشته بود که اگر کسی یک پول سبزی بخوهد باید یک سکه صاحبقران بدهد و آنقدر آن یک صاحبقران نزد سبزی فروش بماند تا حساب او پاک شود و بر مردم خیلی سخت شده است. و شیراز هم همین طور است» (آدمیت/ناطق، ۱۳۵۶: ۲۵۷).

واردات ایران (به لیره انگلیس)

روسیه	۳۳۵۹۰۰۰
انگلستان	۲۳۳۴۰۰۰
بقیه کشورها	۱۳۰۷۰۰۰
جمع کل	۷۰۰۰۰۰۰

صادرات ایران (به لیره انگلیس)

روسیه	۲۸۲۷۰۰۰
انگلستان	۳۸۴۰۰۰
بقیه کشورها	۱۴۲۲۰۰۰
جمع کل	۴۶۳۳۰۰۰

لیبرای انگلیسی تجاوز بوده و صادراتمان به هشت کرور نمیرسید و خودمان با این خرابی و کساد و نارواچی امتعه مملکت ابداء درصدد پیشرفت کار و ترقی بازار مال‌التجاره خود نیستیم-حضرات خارجه با آن رواچی که در تجارتشان حاصل است متحمل این رنج و خرج و خسارت می‌شوند که متاع ملک خویش را بیشتر رواج داده احتیاج ما را زیادت‌تر نمایند و ماها ابداء حس و حرکت نداریم و خود را از این احتیاج فارغ نماییم.» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۲: ۶).

بریتانیا در راستای پیشنهادهای مک‌لین در سال ۱۳۲۲ هـ ق هیئتی را به شهرهای جنوبی ایران فرستاد. آنها ابتدا به کرمان رفتند. این گروه کالاها و اقلام گوناگونی را با خود همراه داشتند: ماهوت، کوتین، ریسمان سفید و رنگی، نمد، گلیم، چاهی (چای) هندوستان (کلکته‌یی). این گروه در واقع یک گروه بازاریاب متشکل از یک رئیس، یک معاون (که مهندس بود) با چند همراه بود. آنها علاوه بر نمونه‌یی از کالاها، قیمت، آدرس کارخانه‌ها و ادارات مربوطه را به تجار ارلئه می‌داندند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۲، سال ۴، شماره ۲: ۶). این گروه سپس از بندرعباس دیدن کردند و از آنجا به بوشهر رفتند. در بین اعضای آن ایرانیانی بودند که به اوضاع تجاری جنوب ایران کاملاً آشنایی داشتند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۶: ۱۶). آنها برای گسترش تجارت خود در بیم کنسولگری ایجاد کردند. کنسول انگلیس در بیم فردی ایرانی بنام خان بهادر اصغرعلیخان بود که از هیئت تجاری انگلیس محسوب می‌شد. به نظر می‌رسد او تنها در امور تجاری دارای اختیاراتی بوده و در زمینه سیاسی چندان دخالتی نداشته است. علاوه بر آن آنها در برازجان نیز مرکزی برای دادوستد ایجاد کردند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۸: ۱۶). نفوذ تجاری بریتانیا تنها به فروش کالا محدود نمی‌شد. برخی اوقات تجار اختلافات خود را در نزد نماینده تجاری بریتانیا حل و فصل می‌کردند. بویژه اگر طرف مقابل خارج بود (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۱: ۱۶). این رویدادها از نظر روزنامه مظفری موضوعاتی نبودند که بتوان آنها نادیده گرفت. به گمان آن روزنامه این نشان از نفوذ روزافزون اقتصادی انگلستان در جنوب ایران بود که در عمل به ورشکستگی اقتصادی ایران می‌انجامید.

افزایش تعرفه‌های گمرکی و واکنش تجار بوشهر

تجار و اصناف یکی از ارکان اصلی سیر تحولات تمامی جوامع بشری بوده‌اند. آنها به دو طریق این نقش را ایفا می‌کردند، الف) از راه رشد و توسعه تجارت، حمل و نقل، بانکداری و صنایع جدید ب) از راه

کالاهای روسی در طی سه ماه پس از تولید واردبازارهای ایران کردند. در حالی که برای اجناس انگلیسی این مدت پنج الی شش ماه بود. نویسنده در ادامه هشدار می‌دهد که باید با روس‌ها رقابت کرد زیرا اکنون کالاهای روسی در بوشهر نیز رخنه کرده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۹). هشدار مک‌لین کاملاً بجا و درست بود. روس‌ها برای گسترش نفوذ خود در جنوب ایران درصدد بودند شعبه بانک استقراسی را در بوشهر دایر کنند و نیز برای فرستادن کالاهای خود به جنوب تعداد کشتی‌هایی که از ادسا به ایران می‌آمدند را افزایش دهند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۸: ۲). آنها برای توسعه کشتیرانی و تجارت خود در روزنامه مظفری دست به تبلیغات می‌زدند. اینک نمونه‌یی از متن تبلیغات تجاری روس‌ها: «برای تسهیل طرق معاملات تجاریه بین مملکتین قویمتین ایران و روس و تفهیم مآرب و مخابرات طرفین، جناب میرزاکیخسرو فارسی که در لیاقت و صداقت خاصه در مواد معاملات و تجارت نادره عصر و محسود ابناء دهرند بوکالت شرکت تجارتخانه روس تعیین و بمركز ماموریت خود وارد، در اودیسایا شده جلب انواع منسوجات و محصولات و مصنوعات روسیه و ایفاد کلیه مال‌التجاره ایران بتوسط شان ممکن با پیشرفت و سهولت زاید و ارقام خطوط بزبان فارسی و وصول جواب بهمان زبان گرامی» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۶: ۱). چاپ این پیام در صفحه نخست روزنامه نشانگر اهمیت این تجارت هم برای روس‌ها و هم برای گرداندگان روزنامه است.

با این وجود ایرانیان چندان با دیدگاه مک‌لین در مورد میزان نفوذ تجارت انگلیس هم‌صدا نبودند. آنها به شدت به نفوذ تجاری بریتانیا معترض بودند و آن را یکی از عوامل اصلی کساد و خرابی مملکت می‌دانستند. گزارش‌های دیگر این مسئله را تایید می‌کنند. به گفته فلور تا سال ۱۹۱۲/م ۱۳۳۰ ق بازرگانان بزرگ بوشهری نمایندگی شرکت‌های انگلیسی در این را برعهده گرفتند. فلور از هشت شرکت و بنگاه تجاری مهم انگلیسی در این سال در بوشهر یاد می‌کند (فلور/یا حسین، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۲). مقالات روزنامه مظفری در این میان بسیار گزنده بود و در عمل پرچم این مخالفت در جنوب را برعهده داشت. آن روزنامه در یکی از شماره‌های خود چنین می‌نویسد: «ماها حکم جیفه گندیده را پیدا کرده‌ایم، اگر یکجو ملاحظه و تصور در کار باشد، اگر فی‌الجمله دیده بصیرت داشته باشیم اگر هیچ کوس و کرنا و توپ و تفنگ و رعد و برقی ما را از اینخواب غفلت بیدار نکند، اگر یکجو ملاحظه و تصور در کار باشد و فی‌الجمله دیده بصیرتمان باز باشد همین یک مطلب برای ما کفایت است که در صورتیکه بموجب استاتاسیک وزارت جلیله گمرکات واردات مملکت در یک سال از بیست و یک کرور

قوانین مذکور فارسی نیست و کسی ندیده ترجمه و صورتش را خواسته از موادش اطلاع حاصل کرده کسب تکلیف نمایند.» از این رو آنها افراد زیر را به عنوان نماینده جهت مذاکره با هیئیس انتخاب کردند. این افراد عبارت بودند از حاجی محمدشفیع صاحب تاجر کازرونی، محمدرضا صاحب تاجر کازرونی، حاجی سیدمحسن صاحب تاجر شبانکاره، حاجی میرزاغلامحسین صاحب تاجر کازرونی و حاجی محمدباقر صاحب تاجر بهبهانی که همگی از تجار عمده و معروف بوشهر بودند. پس بحث و مذاکره فراوان آنها با رئیس گمرک مقرر گردید که تنها فصول قوانین مربوط به تجار به آنها داده شود و پس از یک هفته چون «از مضمون و مواد قوانین جدید اطلاع کامل حاصل نموده پس از آن بموجب آن معمول دارند.» پس از پایان مهلت مقرر چون تجار این قوانین را مضر به حال خود دیدند در طی یادداشتی به اداره گمرک اعلام کردند «که هرگاه بهمان قرار سابق مجری میدارند فیها و الا عموماً دست بردار تجارت می شوند.» از آن جایی که این خواست تجار پذیرفته نشد، آنها تصمیم گرفتند دست به اعتصاب بزنند و از هرگونه تجارت و کسب و کار خودداری ورزند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۵: ۱۶-۱۵).

تجار تنها به این اکتفا نکردند. در ۱۹ صفر ۱۳۲۳ طی نامه‌یی به هیئیس خواستار پاسخ‌گویی گمرک به ۳ خواسته خود شدند. خواسته آنها عبارت بود از:

- ۱- با توجه به این که قانون جدید برای تجار مضر و نافی منافع ایرانیان است آیا آن اجرا خواهد شد.
- ۲- لغو مالیات ارضیه
- ۳- لغو عشور تعرفه خرما (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۶: ۸-۹).

هیئیس در جواب ضمن رد خواسته‌های تجار، خود را مجری قانونی دانست که توسط شاه تصویب شده است. او همچنین یادآوری کرد که این قانون در تمام ایران جاری است و همه تجار آن را پذیرفته‌اند و تعجب خود را از چرایی اعتراض تجار بوشهر ابراز نمود (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۶: ۸-۹).

تجار از اعتصاب دست نکشیدند و بر خواسته‌های خود تاکید ورزیدند. در همین راستا آنها شروع به نامه‌نگاری با کارگزاران دولتی در تهران کردند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۷: ۱۶). نکته جالب آن که تمامی تجار در این اعتصاب شرکت داشتند و روزنامه مظفری با شگفتی می‌نویسد که «بخلاف سابق از احدی در تخلف از قوانین اتفاق خلافی ظاهر نشده» (روزنامه

دگرگون ساختن روابط دیرپای قدرت فئودالی و استقرار مردم‌سالاری یا دموکراسی بورژوازی، (اشرف، ۱۳۵۹: ۷) روابط تجار با دولت همیشه رابطه‌یی دو سویه بود. بدین ترتیب که دولت با ایجاد امنیت و حمایت از تجار رونق کسب و کار و تضمین می‌کرد و بازرگانان نیز با پرداخت مالیات و حمایتهای مالی در مواقع بحرانی دولت را یاری می‌دادند. دوره قاجار که عصر اخذ امتیازات تجاری از ایران بوسیله‌ی کشورهای خارجی بود این رابطه دستخوش تغییر و دگرگونی عمیق شد. به نظر می‌رسد که در این دوران، به ویژه در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه، دولت با روی آوردن به اخذ وام از خارج و دادن امتیازات گوناگون تجاری به بیگانگان، زمینه‌های ضعف تجار را فراهم کردند. البته بودند بازرگانانی که در این دوران نیز سودهای کلانی بدست می‌آوردند و پروای چندانی از ابراز آن نداشتند (سیف، ۱۳۳۳: ۲۴۷). البته تعداد چنین افرادی کم بود و تنها به بازرگانان عمده که تجارت گسترده با کشورهای خارجی داشتند محدود می‌شد.

یکی از نتایج این اقدامات دولت که اعتراضات گسترده تجار را نیز در پی داشت تغییر تعرفه‌های گمرکی بود که در سال ۱۳۲۰ هـ ق انجام شد. سدیدالسلطنه می‌نویسد که در تا پیش از قانون سال ۱۳۲۰ هـ از کالاهایی که به بندرعباس وارد یا خارج می‌شد ۳/۵٪ مالیات می‌گرفتند. پس از تصویب قانون، اجناس وارداتی همان ۳/۵٪ مالیات می‌پرداختند اما بر کالاهای صادراتی ۵/۰٪ مالیات افزوده شد. اداره گمرک علاوه بر این تعرفه، مالیات‌های دیگری نیز بر کالاها می‌بست. از جمله حق تمبر، مهر و سرب، مهر و لاک، ارضیه و ... که خود در عمل میزان تعرفه‌ی پرداختی کالاهای صادراتی را بالا می‌برد (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۹۲).

در بوشهر قانون جدید تا سال ۱۳۲۳ هـ به اجرا در نیامد. در محرم این سال «هیئیس^۱» که پیش از آن رئیس گمرک انزلی بود به ریاست «گمرکات و پست و صندوق مالیه کل بنادر و جزایر خلیج فارس» منصوب و به بوشهر وارد شد. او که اندکی زبان فارسی می‌دانست درصدد برآمد تا قانون جدید را به اجرا در آورد. قانون جدید دارای ۱۲۲ فصل و هر فصل حاوی چندین ماده انتظامات داخلی و خارجی گمرکخانه بود. از جمله چندین فصل در آن در مورد کار تجار بود. بازرگانان که مواد قانون جدید را به حال خود مضر دیدند از همان ابتدا به مخالفت با آن پرداختند. آنها در آغاز از تحویل کالا از گمرک خودداری کردند. سپس با اجتماع در خانه محمدرضا صاحب تاجر کازرونی که از بزرگترین تجار بود، پس از گفتگوی فراوان، تصمیم گرفتند که با رئیس جدید گمرک ملاقات کنند و «چون

۲- در هنگام اعتراضات تجار به اقدامات عین‌الدوله، بازرگانان بوشهری از همراهی دیگران خودداری کردند و به حمایت از او پرداختند. شاید عین‌الدوله با این کار خود جواب حمایت آنها را داده باشد.

در هر حال نتیجه این اعتراضات به سود بازرگانان بوشهری بود و قوانین جدید گمرکی در آنجا با اغماض به اجرا درآمد.

نتیجه‌گیری

روزنامه‌مظفری یکی از روزنامه‌های ضدانگلیسی بود که چندین سال با انتشار مقالات مختلف با نفوذ رو به گسترش آن کشور در جنوب ایران به مبارزه برخاست و سرانجام قربانی همین مخالفت خود گردید. با وجود این تردیدهای جدی در خصوص میزان مخالفت آن با استبداد داخلی در دوره مشروطه وجود دارد. به نظر می‌رسد که روزنامه روابط حسنه‌ی با روس‌ها داشت و شاید بتوان ادعا کرد که به نوعی از حمایت آنها برخوردار بود و تعطیلی آن در سال ۱۳۳۰ق را نیز ناشی از توافق روس و انگلیس برای آزادی عمل در منطقه نفوذ خود پس از قرارداد ۱۹۰۷ م دانست.

نگاه روزنامه به مقوله تجارت را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: تجارت داخلی و تجارت خارجی. در زمینه‌ی تجارت داخلی، روزنامه خواهان حمایت از صنایع بومی و محلی است و معتقد است تجارت صرف تبادل کالا نیست؛ بلکه تولید و تبادل کالا در مجموع تجارت را می‌سازند. به همین دلیل بر تجار اعتراض می‌کند و آنها را «دلالت» خطاب می‌کند. در جایی حتی بر شرکت‌ها می‌تازد و عملکرد آنها را با شرکت‌های خارجی مقایسه می‌کند که کاری جز خارج کردن ثروت‌های ملی را ندارند. با وجود این روزنامه بطور مستقیم دولت را مورد نکوهش قرار نمی‌دهد. حتی هنگامی که تعرفه‌های گمرکی به زیان بازرگانان باشد. او بیشتر بر نقش تجار و تغییر فرهنگ مصرف تأکید می‌ورزد.

در زمینه تجارت خارجی، روزنامه سیاست کاملاً ضدانگلیسی دارد و آن کشور را عامل رکود تجارت در بنادر ایران می‌داند. روزنامه با انتقاد از ورود کالاهای خارجی آن را برای جامعه اقتصادی ایران فاجعه بار می‌داند. بویژه که درصد بسیار بالایی از این واردات کالاهای مصرفی و تجملاتی را شامل می‌شد. روزنامه در شماره‌های متعدد خود برخی زبان‌های وارده به ایران را چنین بر می‌شمرد: خروج طلا و نقره از کشور، از بین رفتن صنایع داخلی، بر هم خوردن تراز بازرگانی. روزنامه‌مظفری با تمام ضعف‌هایی که در زمینه موضع‌گیری داخلی بر آن وارد بود در مورد تجارت آینده‌نگری داشت و با مقالات خود

مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۸: ۱۶). شاید دلیل این امر را در نظام سلسله‌مراتبی تجار دانست که همه را برای کسب بیشترین سود گرد هم جمع کرده بود و از مافوقشان تبعیت می‌کردند (فوران: ۱۳۷۷: ۶۲). برخلاف گفته‌های هینسیس، قانون جدید گمرکی باعث نگرانی تجار اصفهان نیز بود. با این وجود آنها دست به هیچ اقدامی نزدند و در انتظار نتیجه‌ی اعتصاب تجار بوشهری بودند (روزنامه‌مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۹: ۱۱).

سرانجام پس از یک ماه مذاکره تجار با مدیر گمرک، به دستور دولت دو طرف توافق کردند که «بهمان قسمی که قبل از ورود ایشان (مسیو هینسیس) معمول بوده و تجار خواسته بودند مال‌التجاره خود را از گمرک تصرف و شروع بکار نمایند و قوانینی که حرفش در میان بود بکلی مرفوع باشد. عشور خرما هم که جزء میوه‌جاه یکمن تبریز پنجشاهی عشور مأخوذ می‌داشتند آنچه خرمای قابل صرف و برای خوراک نیست بکلی معاف و خرمای خوب از قرار قیمت صد ده باشد» (روزنامه‌مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۶: ۹). با این وجود به نظر می‌رسد که قانون جدید در دیگر بنادر اجرا می‌شد. نویسنده روزنامه‌مظفری که این قانون را به انگلیسی‌ها منتسب می‌دانست، نوشت «آخر صدمه که از قهرش (منظور دولت انگلیس است) در این آخر بایران زد این بود که بندرلنگه ما را که به بندر مروارید معروف و محل و مرکز و بندر تجارتی تمام سواحل بلکه بر عمان بود گمرکش هر برج مبالغها کار می‌کرد از مآثر جلیله-این تعرفه جدید طوری آنرا شکست و گمرک آنجا را طوری زمین زد که کنون دبابی (دبی) و شارجه که جز چند خانوار بیشتر نبودند از حیث آبادی چند مقابل آبادی سابقه لنجه ما شده‌اند و طوری کسب اهمیت نموده‌اند که آنچه تا سال گذشته جهازات مملو از همه رقم مال‌التجاره وارد بندرلنگه و تمام سواحل می‌شد حالا تمام به دبابی می‌روند» (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۴: ۲). هرچند نویسنده، این قانون را به انگلیسی‌ها نسبت می‌دهد از این نکته آگاهانه غفلت می‌ورزد که قانون جدید در زمان ریاست‌الوزرای عین‌الدوله اجرا شد. این در حالی بود که هواداری روزنامه از عین‌الدوله آشکار بود.

در مورد لغو قانون جدید در بوشهر هم باید به چند نکته توجه داشت:

۱- به نظر می‌رسد که لغو قانون در اثر مساعی ولیعهد، محمدعلی شاه بعدی بوده است. او که مقام خود را در خطر می‌دید با این کار خود درصدد بود تا حمایت اقشار مختلف را بدست آورد (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳، سال ۴، شماره ۱۴: ۱۴).

سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۶۲)، سفرنامه سدید: التدقیق فی سیر الطریق، تصحیح احمد اقتداری، تهران، بهنشر.

سعادت کازرونی، محمدحسین (۱۳۹۰)، تاریخ بوشهر، مصحح عبدالرسول خیراندیش / عمادالدین شیخ الحکامی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

سعیدی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج-فارس در دوره قاجار، بوشهر، انتشارات دانشگاه خلیج فارس.

سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه. عیسوی چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران: ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره.

فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.

فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران، رشا.

فلور، ویلم / یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۹)، بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس، بوشهر، شروع.

قاسمی، سید فرید (۱۳۸۶)، المنطبعة فی الفارس، شیراز، بنیاد فارس شناسی

قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹)، مطبوعات ایرانی، تهران، نشر علم.

قاسمی، فرید (۱۳۸۳)، اولین‌های مطبوعات ایران، تهران، نشر آبی.

کازرونی، احمد حسینی (۱۳۸۴)، سید محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بوشهر و نهضت جنوب، تهران، نشر کازرونیه.

محمدی، مجتبی / حق پرست، گالیا (۱۳۹۸)، توصیف بندر بوشهر و خلیج فارس در جریده مظفري (۱۳۲۲-۱۳۱۹ هـ.ق) مطالعات خلیج فارس، شماره ۱۹، صص ۴۸-۴۰.

مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۱)، بوشهر در انقلاب مشروطیت، تهران، انتشارات معاصر پژوهان و بنیاد ایران شناسی بوشهر.

ناطق، هما (۱۳۷۳)، بازرگانان در داد و ستدهای بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران، توس.

هاشمی، صدر (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، نشر کمال. یاحسینی، قاسم (۱۳۹۳)، روزنامه مظفري بوشهر و وضعیت زنان پیش از مشروطه، تهران، شیرازه.

Willem Floor (2011), Bandar Abbas: The Natural Trade Geteway of Southeast Iran, Mage publisher, Washington DC.

خطرات وابستگی اقتصادی ایران به واردات وابستگی تجاری به یک کشور را نمایان می‌ساخت.

منابع

اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، تهران، زمینه.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۷)، روزنامه خاطرات، مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.

آدمیت، فریدون / ناطق، هما (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، نشر آگاه.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی.

تامیسون، سی، تام (۱۳۸۶)، تجار کوچک در ایران، ترجمه علی طرفداری، بررسی نوین تاریخی، سال دوم، شماره ۳، بهار (۱۲۲-۱۰۶).

تاورینه، ژان باتیست (بی تا)، سفرنامه تاورینه، ترجمه ابوالقاسم ابوتراب نوری، بی جا، کتابفروشی سنایی و تایید اصفهانی.

دشتی، رضا (۱۳۸۰)، تاریخ اقتصادی-اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، تهران، پایینه.

دهقان نیری، لقمان (۱۳۷۰)، تجارت خارجی ایران در آستانه جنگ جهانی اول، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، سال دوم، (۱۰۰-۸۸).

روزنامه جبل‌المتین، مویدالاسلام، کلکته، ۱۳۴۵-۱۳۱۱ ق

روزنامه مظفري ۱۳۲۳-۱۳۲۲، سال چهارم

رومی، سیروس (۱۳۸۲)، تاریخ مطبوعات فارس: قاجاریه، شیراز، بنیاد فارس شناسی.

رومی، سیروس (۱۳۸۷)، شناسنامه مطبوعات فارس از آغاز تا امروز، شیراز، انتشارات نوید شیراز.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶)، سیاستنامه های قاجاری، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۷۱)، سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، تصحیح احمد اقتداری، تهران، جهان معاصر.

سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۴۲)، اعلام الناس فی احوال بندر عباس: بندرعباس و خلیج فارس، تصحیح احمد اقتداری، تهران، ابن سینا.